

کالبد شناسی تعهدات برجام بین ایران و آمریکا در مورد مذاکره هسته ای از منظر حقوق بین الملل بشردوستانه

دکتر سعید جهانگیری^۱ / دکتر مهدی یوسفی صادقلو^۲

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۱ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶

چکیده

بدعهدی های ناشی از عدم حسن نیت طرف های غربی و به ویژه آمریکا در ماه های پس از اجرایی شدن برجام و به شکل ملموس تر پس از آغاز ریاست جمهوری ترامپ، در تعارض با حسن نیت در اجرای تعهدات بین المللی برجام بوده و با توجه به تأکید قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت بر ضرورت اجرای کامل برجام و خودداری از هر گونه اقدام تضعیف کننده این سند همکاری، اظهارات رئیس جمهور آمریکا و برخی اقدامات انجام شده توسط تیم وی و کنگره این کشور در خصوص برجام، همان گونه که اتحادیه اروپا و کشورهای اروپایی و روسیه نیز بر آن اذعان دارند، تضعیف کننده این سند و مغایر با روح برجام و قطعنامه الزام آور ۲۲۳۱ محسوب می گردد. سؤال مقاله حاضر این است که نقطه عزیمت نظری تفاوت در دیپلماسی تحریمی دو دولت ترامپ و اوباما در قبال ایران از منظر حقوق بین الملل بشر دوستانه با وجود تعهد این کشور به تعهدات برجام چه بوده است؟ فرضیه مقاله این است که در حالی که سیاست تحریمی دولت اوباما بیشتر مبتنی بر انگیزه متعهد سازی ایران به هنجارهای بین المللی بود، انگیزه اصلی دولت ترامپ پیشبرد حداکثری منافع آمریکا فارغ از محدودیت های حقوقی بین المللی است. از این منظر، برجام برای دولت اوباما، توافقی کارآمد و برای دولت ترامپ، نا کارآمد تلقی شده است. فرضیه به لحاظ نظری بر دو نظریه واقع گرایی و لیبرالیسم درباره کارکرد تحریم در روابط بین الملل متکی است. این فرضیه به نحو تحلیلی - تبیینی و با تکیه بر داده های معتبر بررسی خواهد شد.

واژگان کلیدی: ایران، حقوق بین الملل بشر دوستانه، مذاکرات هسته ای، آمریکا، تحریم.

^۱ دکتری تخصصی علوم سیاسی مسائل ایران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. (نویسنده مسئول)

Saeedjahangiri61@yahoo.com

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور واحد کرج.

m_yousefi_lawer@yahoo.com



مقدمه

به نظر حقوق دانان «برجام» را هم می توان موافقت نامه ای بین المللی و تفاهم نامه ای غیر الزام آور تلقی کرد و هم برای آن ماهیتی غیر از معاهده در نظر گرفت. برای پاسخ به این پرسش که برجام معاهده بین المللی است یا صرفاً یک تفاهم سیاسی بین جمهوری اسلامی ایران با گروه ۵+۱، از یک سو باید به متن ۱۶۷ صفحه ای برجام مراجعه کرد و از سوی دیگر باید قواعد حاکم بر حقوق بین الملل و قوانین کشورهای مذاکره کننده را مورد توجه قرار داد. هرچند در متن برجام سخنی از معاهده بودن آن به میان نیامده است، اما با مراجعه به حقوق داخلی و بین الملل، می توان آن را موافقت نامه بین المللی به حساب آورد. دولت ایالات متحده آمریکا قبل و بعد از رسانه ای شدن متن برجام و بعد از آن که از مجاری قانونی دو کشور - کنگره آمریکا و مجلس شورای اسلامی ایران - به سلامت عبور کرد، اصرار دارد که برجام یک معاهده بین المللی نیست و نمی توان برای آن اعتبار حقوقی مبرهنی در نظر گرفت. مقامات دستگاه دیپلماسی کشور نیز ادبیاتی مشابه دولتمردان آمریکایی اتخاذ و تأکید کرده اند؛ آنچه اتفاق افتاده، یک تفاهم نامه است و نه یک موافقت نامه الزام آور که کشورهای طرف مذاکره را در چالشی به نام «ضمانت اجرا» تحدید کند. در این مقاله ضمن مذاقه در ارتباط بین قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و برجام، بررسی خواهد شد که چرا سند برجام را باید یک موافقت نامه بین المللی به حساب آورد. همچنین، در این مقاله ماهیت برجام بررسی و با استدلالات حقوقی بر این امر که این سند یک موافقت نامه سیاسی یا نزاکتی است تأکید خواهد شد.

گروه کشورهای ۵+۱ از ۵ عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل (آمریکا، روسیه، چین، انگلستان و فرانسه) و آلمان تشکیل شده و هدف آن هماهنگ کردن واکنش جهانی نسبت به برنامه های هسته ای ایران است. مذاکرات هسته ای ایران و غرب در سال ۲۰۰۳ آغاز شد. در آن زمان سه کشور انگلستان و فرانسه و آلمان، پیشنهاد ارائه شده از سوی کشورمان را بررسی کردند و نهایتاً طی سال ۲۰۰۶ میلادی، با پیوستن روسیه، آمریکا و چین، گروه ۵+۱ تشکیل شد. مذاکرات مذکور با مجموعه موسوم به ۵+۱ و به صورت مشخص نمایندگان دولت آمریکا، از جمله رویداد هایی است که به صورت پر رنگی در فضای سیاسی، اجتماعی و رسانه ای ایران و دنیا محل توجه قرار گرفت. علاوه بر نظرات مختلف درباره متن به دست آمده، مسأله ای که به شدت در فضای افکار عمومی محل سؤال قرار گرفت اجازه یافتن هیأت مذاکره کننده ایرانی برای مذاکره با نمایندگان دولت آمریکا است. این موضوع از آنجایی در کانون توجهات قرار می گیرد که «اصل مذاکره» با آمریکا در



دوره ها و برهه های گوناگون از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی رد شده و بر مضر بودن این مذاکره از سوی ایشان تأکید شده است. اولین نکته مهم در معنای درست استکبار ستیزی زیر بار تحمیل مستکبرین نرفتن است. در واقع، اگر بر اصول و منافع خود ایستادگی به خرج داده و تحمیل استکبار را نپذیریم استکبارستیزانه عمل کرده‌ایم. البته علاوه بر این می‌توان سطح بالاتری از موضوع را نیز در نظر داشت که مقابله با نظام سلطه در سطح جهانی و ارائه نظم جدیدی به بشریت است و این همان بعد جهانی انقلاب اسلامی است. چالش اساسی انقلاب عبارت است از این که انقلاب یک نظم جدیدی را برای بشریت ارائه کرده است. یک مفهوم جهانی، یک حقیقت جهانی، یک حقیقت بشری به وسیله انقلاب پیام داده شد که هر کسی در دنیا آن را بشنود احساس می‌کند که به این پیام دل بسته است. آن پیام چیست؟ اگر بخواهیم آن پیام را در شکل اجتماعی و انسانی آن در یک جمله بیان بکنیم: مقابله با نظام سلطه است؛ این پیام انقلاب است. نظام سلطه، نظام تقسیم دنیا به ظالم و به مظلوم است؛ منطق انقلاب که منطق اسلام است، «لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ» است؛ نباید ظلم کنید و نباید بگذارید به شما ظلم بشود. (غریب آبادی، ۱۳۹۳، ۱۲۲)

۱- چارچوب نظری

فهم رفتار دولت در شرایط آنارشیک و یا فراهم آوردن یک تئوری مناسب برای سیاست خارجی همچنان مهم ترین هدف دانش روابط بین الملل به شمار می‌آید. کلان نظریه رئالیسم (واقع‌گرایی) از جمله پارادیم های مطرح در روابط بین الملل است که در فرآیند تحلیل و تبیین تحولات نظام بین الملل دچار مناظره های میان پارادایمی گردیده و ثمره آن ظهور خرده نظریه های متعددی از درون آن بوده است در رئالیسم تدافعی دغدغه امنیت اساسی ترین مسأله است به عبارت دیگر، نگاه رئالیست های تدافعی نیز نگاهی کاملاً امنیتی است و در کنار رئالیسم تهاجمی، مطالعات روابط بین الملل را به سمت امنیتی شدن سوق داده و در واقع این دو رویکرد در صدد پاسخ به معمای امنیت در نظام آنارشیک بین‌المللی برآمدند. سؤال اصلی برای این گروه از رئالیست‌ها این است که چه مقدار از قدرت برای دولت‌ها لازم و یا کافی است؟ و یا اصولاً دولت‌ها چه زمانی به پیشینه‌سازی قدرت روی می‌آورند. پاسخ‌هایی که به این پرسش داده شده این دو نحله رئالیستی را متمایز ساخته است. (عبدالله خانی، ۱۳۸۵، ۴۹۱)

استفان والت از شناخته شده ترین اندیشمندان وابسته به رئالیسم تدافعی است که برای بازشناسی گزاره های اصلی و محوری نظریه موازنه قوا بسیار کوشید. محقق نشدن فرضیه قوا علیه هژمون بالقوه ایالات متحده پس از جنگ سرد، استفان والت را جابجایی نقطه تمرکز واقع‌گرایی از موازنه



قدرت به موازنه تهدید سوق داد تا این گونه بتواند گره کور نو واقع گرای را بکوشد. والت با نقد اصل موازنه قوا و با طرح نظریه موازنه تهدید بیان کرد آنچه باعث حرکت کشورها به سوی توازن می شود، میزان تهدیدی است که ادراک می کنند. (آدمی، ۱۳۹۴، ۱۲۲) از دیدگاه وی دولت ها در مقابل کشورهایی که منشاء بیشترین تهدیدند متحد می شوند. در این حالت لزوماً دولت یا دولت های تهدید کننده جزء قوی ترین دولت ها نیستند. وی تهدید را افزون بر قدرت، ترکیبی از دیگر عوامل مانند توانایی تهاجمی، قدرت نظامی، نزدیکی جغرافیایی و به ویژه نیت و مقاصد تجاوزکارانه احتمالی می داند. منظور وی از تهدید فقط به میزان قدرت دولت ها بستگی ندارد بلکه برداشت دولت ها در روابط ایشان از تهدید مد نظر اوست. هرگاه دولت ها احساس کنند که موجودیت و منافع آنها از سوی دیگر دولت ها با تهدید روبروست با اتحاد با یکدیگر به موازنه در برابر آنها می پردازند. (Balzacq, 2005, 176)

بر این اساس از منظر والت فقط عنصر قدرت باعث رفتار موازنه گر نمی شود و موازنه تهدید، مفهومی جامع تر و با قدرت تبیین کنندگی بالاتری است و قاعده اصلی رفتار موازنه ای سیاست خارجی است. موضوع ادراک و احساس تهدید در نظریه والت بر بخش دیگر از نظریه اش که ائتلاف برای موازنه در مقابل تهدیدهاست مقدم است به صورتی که این قسمت از نظریه والت آن را از ابعاد مادی گرایانه دور و رویکردهای سازه انگارانه و معنا گرایانه را در ذهن متبادر می کند که از مفهوم تهدید ناشی می شود و بیش از مفهوم قدرت معناگرایانه است. مثلاً بر اساس وجه سازه انگارانه نظریه موازنه تهدید، معضل امنیتی فقط از این واقعیت که هر دو کشور صاحب سلاح های اتمی هستند ایجاد نمی شود بلکه بستگی دارد به این که آن ها چگونه همدیگر را می نگرند. نگرش بازیگران اصلی نظام بین الملل به کشورهای انقلابی نه فقط به دلیل برخورداری آنها از تکنولوژی هسته ای یا دارا بودن سلاح اتمی است بلکه به دلیل خواسته هایشان که خواهان تغییر وضع موجود نظام بین الملل هستند تهدید آمیز هستند. از دیدگاه والت هر بازیگری در صدد گسترش رهیافت های معطوف به تغییر وضع موجود باشد آن گاه زمینه را برای پیمان های عکس العملی در چارچوب موازنه تهدید را حاصل کرده است. بنابراین آنچه رویکرد معطوف به انقلابی گری تلقی می شود با واکنش های عکس العملی پیچیده و متنوع بازیگران منطقه ای و بین المللی همراه خواهد شد. (آدمی، ۱۳۹۴، ۱۴۳) بر اساس نظریه والت، برای فهم این که چرا دولت ها به منازعه با یکدیگر می پردازند یا اقدام به همکاری می نمایند باید دید که این دولت ها چه تصویری از منافع خویش و محیطی دارند که در آن زندگی می کنند. این تصورات را چگونه کسب می کنند و چگونه این تصور تبدیل به خط مشی های سیاسی دفاعی مشخصی می شود. هویت ها از طریق دخالت مستقیم در



مرزبندی های هویتی به شکل دادن به درک کارگزاران از تهدید و خلق هویت هایی که از نظر دیگران تهدید آفرین هستند، امنیت دولت ها و انسان ها را تحت تأثیر قرار می دهند. به علاوه دولت ها از طریق فرآیند امنیت سازی است که دولت های دیگر را به عنوان سرچشمه تهدید یا دشمن بر می سازند. یعنی با هویت بخشی به آنها به عنوان «دیگری خطرناک» اقدامات خاص و خارج از رویه های روزمره را لازم می نمایند و موقعیت های استثنایی را تعریف می نمایند و از آنجا که هر حکومتی یک کد اجتماعی است که هویت خاص آنها را نشان می دهد و کنش های سیاسی آنها را تقویت می نماید و نشان دهنده ترجیحات ارزشی حکومت است. بنابراین اتخاذ، استراتژی تهدید وجودی کشورهای منطقه علیه ایران در راستای بیشینه سازی ترکیبی این ارزش ها و ترجیحات ارزشی قرار می گیرد. (Waver, 1995, 29-51)

۲- اهداف و منافع جمهوری اسلامی برای مذاکرات هسته‌ای

بر اساس بیانات رهبر انقلاب، جمهوری اسلامی علاوه بر هدف کلان حفظ حقوق هسته‌ای و حق غنی‌سازی در رأس آن، به دنبال رسیدن به اهداف و دستاوردهایی نیز بوده است که رسیدن به آنها در بستر مذاکرات میسر می‌شده است. از منظر جمهوری اسلامی، سه هدف عمده عبارت بودند از: الف- لغو تحریم‌های ظالمانه ب- شکست فضا سازی دشمن در سطح افکار عمومی دنیا ج- آشکارتر شدن ماهیت استکباری آمریکا.

دیدگاه ها درباره مواد توافق هسته ای مختلف است، غرب آن را توافقی خوب و عادلانه توصیف کرده است و ایران معتقد است این توافق در پاسخ به خواسته ملت صورت گرفته است اما اسرائیل این توافق را به رسمیت نشناخته است و بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل این توافق را یک اشتباه تاریخی دانست، کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز ابراز نگرانی کرده اند که این توافق نوعی پوشش بین المللی برای فعالیت های هسته ای ایران است. واکنش ها به این توافق مختلف است. در شرایطی که بسیاری از کشورهای جهان از آن استقبال کرده اند اسرائیل به شدت با آن مخالف و عربستان نسبت به آن ابراز تردید کرده است. اسرائیل در رأس کشورهای متضرر از این توافق است، مسئولان اسرائیلی معتقد هستند که ایران با این توافق جایزه بزرگی به دست آورده است جایزه ای که حجم آن صدها میلیارد دلار است و ایران با چنین جایزه ای می تواند به هژمونی خود در منطقه و جهان ادامه دهد و این یک اشتباه تاریخی است. در ابتدای این توافق عربستان سعودی به طور رسمی اعلام کرد که توافق هسته ای ایران و ۵+۱ روز خوبی برای منطقه خواهد بود اگر این توافق ایران را از دستیابی به سلاح هسته ای بازدارد اما این توافق اگر باعث شود تهران منطقه را به هم



بریزد توافق بدی خواهد بود. ریاض معتقد است اگر توافق هسته ای امتیازاتی به ایران بخشیده باشد منطقه با خطرات بسیاری مواجه خواهد شد. (غریب آبادی، ۱۳۹۳، ۱۵۱)

۳- رویکرد آمریکا از منظر اوباما و کری

اوباما و کری در دفاع از برجام علی رغم میل باطنی خودشان مجبور به دفاع از گذشته ایران شدند تا جایی که جان کری اذعان نمود که نتانیاهو از ایران وهم دارد زیرا ایرانیان اگر می خواستند بمب بسازند سال ها پیش توان آن را داشتند اما نساختند. یادمان هست نتانیاهو در سازمان ملل با رسم شکل گفت که ایران شش ماه دیگر بمب می سازد اما ایرانیان بمب نساختند. در سخنان سران آمریکایی در مرداد ماه ۱۳۹۴، هشت موضع گیری مهم بود که در ذیل به آن می پردازیم: اوباما رئیس جمهور اسبق آمریکا در دانشگاه آمریکن اظهار نمود که توافق انجام شده باعث حل شدن تمامی مشکلات با ایران نخواهد بود و درعین حال اطمینان بخش گرم شدن روابط بین دو کشور نخواهد بود. اما به خاطر این که دستاوردی در راستای یکی از حیاتی ترین مسائل امنیتی به شمار می رود می توان آن را توافقی خوب و رضایت بخش توصیف کرد. اوباما مخالفان برجام را جنگ طلبان دیروز عنوان کرد و اشاره نمود افرادی که با توافق با ایران مخالفند همان هایی هستند که در سال ۲۰۰۳ برای حمله به عراق رأی مثبت دادند. او با این سخن به مردم آمریکا یادآور شد که جنگ عراق چقدر برای آنها هزینه داشته است. در زمان حکومت صدام حسین، در آمریکا تصمیم بر این گرفته شد تا به جای استفاده از دیپلماسی از گزینه نظامی استفاده شود و آمریکا وارد جنگ دراز مدت شد، رهبران وقت آمریکا به مردم این کشور چیز زیادی از هزینه های سنگین جنگ نگفتند و دائم اصرار بر این بود که می توان اراده و تفکر خود را بر روی مردمانی که فرهنگ و تاریخ مختلفی دارند، تحمیل نمود. علیرغم گذشت یک دهه از وارد شدن به جنگ، در آمریکا هنوز با عواقب ناگوار اشغال عراق و تصمیم گیری آن زمان روبرو هستیم. اگرچه نیروهای مسلح ما تمامی مأموریت های خود را به خوبی انجام دادند، اما این را نیز نباید فراموش کرد که هزاران سرباز آمریکایی جان باختند و ده ها هزار نفر زخمی و مجروح، البته این ارقام شامل تلفات جانی عراقی ها نمی شود. از طرفی دیگر نزدیک به یک تریلیون دلار هزینه، این تصمیم گیری شد. امروزه عراق همچنان دچار گرفتاری های زیادی است. (توکل پور کو خدان، ۱۳۹۱، ۱۱۶) اوباما اعتراف کرد که نفوذ ایران در منطقه رو به گسترش است و از این موضوع ما نیز مانند شرکای خود در منطقه ناراحت هستیم و در برابر آن می ایستیم اما باید بپذیریم که ایران بدون این توافق هم می تواند به حمایت های خود از دولت سوریه و حزب الله ادامه دهد؛ کما این که در این مدت با تحریم ها



توانست این کار را انجام دهد. او با امیدوار است که از طریق توافق بتواند با ایران برای ثبات در منطقه گفت و گو کند و این مسأله را جان کری نیز به نقل از ظریف گفته است که در صورت توافق، ایران حاضر به گفت و گو در سایر مسائل منطقه ای خواهد بود. او با حق غنی سازی ایران را یک حق ذاتی دانسته و تأکید کرده که برجام فاصله ایران با ساخت بمب اتم را زیاد می کند و با این توافق دیگر نمی توان به دلیل ادعاهای دیگران حق ذاتی ایران را نادیده گرفت. او با اذعان نموده که ایران مانند هر کشور دیگری حق دارد غنی سازی کند. این سخنان او با همان چیزی بود که سیاست عالی نظام به دنبال آن بود و از خطوط قرمز رهبری در مذاکرات به شمار می رفت. کری با اشاره به این موضوع که او با اعلام کرده است اجازه دستیابی ایران به بمب را نخواهد داد گفت: او با تنها رئیس جمهوری بود که دستور به ساخت جنگ افزاری داد که بتواند تأسیسات هسته‌ای ایران را هدف قرار دهد، اما در عین حال تأکید کرد که موضوع مهم آن است که ایران هم اکنون به دانش غنی‌سازی دست یافته و به چرخه سوخت مسلط شده است و نمی‌توانید این دانش را نیز بمباران کنید. (Islam, 2010, 6)

در کنار سخنان او با، جان کری نیز اعترافات قابل توجهی در خصوص ایران داشته است. یکی از سخنان او درباره منزوی شدن آمریکا به دلیل اثبات سخنان رهبر ایران است. وزیر خارجه آمریکا گفت: آیت‌الله خامنه‌ای اعتقاد دارد که ما آمریکایی‌ها غیر قابل اعتماد هستیم. ما توافق کردیم، آن را اعلام کردیم، پنج کشور دیگر به آن اعتماد کردند. اکنون کنگره آمریکا (در صورت رد توافق) تردید و ظن آیت‌الله را ثابت خواهد کرد و دیگر امکان ندارد او به میز مذاکره بازگردد. او به مذاکره باز نخواهد گشت. به دلیل شأن و به دلیل این سوء ظن که شما نمی‌توانید به آمریکا اعتماد کنید و اینکه آمریکا با حسن نیت مذاکره نمی‌کند و با حسن نیت مذاکره نکرد. (قاسمی، ۱۳۹۴، ۶۷) یکی دیگر از سخنان مهم جان کری این بود که ایرانیان را مردمانی به دور از تلاش برای ساخت سلاح کشتار جمعی توصیف کرد. جان کری این جمله را بارها بعد از توافق گفته است. او در سنا گفت ایرانیان می‌توانستند ۱۲ بمب بسازند اما به سوی آن نرفتند. او گفت اگر توافق امضا نشود هیچ کسی راهکار جایگزینی برای مقابله با ایران ندارد. شرکای اروپایی ما دیگر حاضر به ادامه تحریم نیستند و این یعنی تحریم بی تحریم. او این را نیز گفت که در جنگ هشت ساله ایران و عراق این صدام بود که سلاح شیمیایی به کار برد و ایران علی‌رغم توان مقابله به مثل این کار را نکرد و این می‌تواند یک تضمین عملی برای ما باشد. جان کری و او با یک نکته مهم دیگر را نیز به شرکای عرب خود در منطقه یادآور شدند. این که آمریکا حاضر نیست جنگی را بدون اجماع بین‌المللی علیه ایران به راه بیندازد و در حال حاضر جنگ با ایران هیچ حامی ندارد. او با گفته است که



سربازانش در هفت جنگ به دستور او شرکت کردند اما مسأله ایران فرق می کند زیرا آمریکا و اسرائیل در این جنگ تنها خواهند بود. مسأله مهم دیگری که سران آمریکایی به آن اشاره کرده اند بی تأثیر شدن تحریم ها در سالهای اخیر است. کری با اشاره به تغییر دولت در ایران گفت که از دو سال پیش تحریم ها علیه ایران تقریباً رو به فرسایش و بی تأثیری گذاشت. ایرانیان هم متحدتر عمل کردند و هم روش های بهتری برای عبور از تحریم ها یافتند و به همین دلیل آنها توانستند وضعیت اقتصادیشان را به ثبات برسانند. او تأکید کرد که تحریم ها همین الان هم ناکار آمد شده اند. این مسأله را او باما نیز بدان اشاره کرد. او باما گفت که در ادامه روند تحریم ها تنها خواهیم بود و شرکای اروپایی و آسیایی ما گفته اند که دیگر حاضر به ادامه همکاری در این زمینه نیستند. وی تأکید کرد که عدم توافق با ایران بدون هیچ گزینه جایگزین است و این یعنی شکست کامل برنامه های آمریکا و خروج ایران از انزوای بین المللی، بدون آن که حتی به توافق عمل کند.

رئیس جمهور، حسن روحانی توافق هسته ای را به عنوان یک «راه سوم» جدید برای سیاست خارجی ایران مطرح می کند و معتقد است که این ایده که ما در برابر جهان دو راهکار داریم یا باید تسلیم شویم یا جهان را شکست دهیم، غیر منطقی است؛ یک راه سوم هم وجود دارد و آن همکاری سازنده با جهان در چهارچوب منافع ملی است. محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه وقت ایران با ارائه دلایل زیر به دفاع از برجام می پردازد:

۱- طرح صهیونیستی امنیتی سازی ایران و جهانیان از این توافق به عنوان پیروزی عقلانیت منطقی بر جنگ طلبی استقبال کرده و آن را نقطه عطفی در تاریخ روابط بین الملل در دهه های معاصر شناخته اند. به اعتراف دوست و دشمن آنچه در این میان به اثبات رسید عزت خودباوری اقتدار و سربلندی توأم با حکمت مردم ایران و رهبر فرزانه ماست، در این مذاکرات طولانی و نفس گیر با توکل به خدا و به پشتیبانی مردم ثابت شد جمهوری اسلامی ایران با ۶ قدرت دنیا مذاکره می کند اما باج نمی دهد و ثابت شد ایران در سختترین شرایط تحریم حاضر است سالها مقاومت و دو سال مذاکره را ادامه دهد ولی در برابر فشارها مقاومت کند و از خطوط اصلی خود عدول نکند. یک بار دیگر به آمریکا ثابت شد که به تعبیر رهبری باید تسلیم ایران را به خواب ببیند. متن نهایی برجام متن متوازی است، در این متن ما تمام خواسته های مان را به طرف مقابل تحمیل نکردیم. طرف مقابل هم نتوانست چنین کاری بکند. زیرا این دیگر توافق نیست بلکه سند تسلیم است. در داخل متن هم توازن قابل توجهی حتی از نظر تناظر زمانی اقدامات وجود دارد.



۲- صلح، امنیت و ثبات در محیط پیرامونی همواره مهمترین اولویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است که بر شناخت صحیح از واقعیات این منطقه بنا شده و به عکس فرارز و نشیب ها، دوگانگی ها و تناقضات خطرناک سیاست های برخی کشورهای مؤثر، از انسجام و استمرار برخوردار بوده و همواره بر صلح و دوستی با همه همسایگان، حمایت از خواست مردم و مقابله با تهدیدات مشترک از جمله تجاوز خارجی، افراط، تروریسم و فرقه گرایی بنا شده است. جمهوری اسلامی ایران حمایت از دوستان و متحدین منطقه ای خود در برابر این تهدیدات مشترک را ادامه خواهد داد و بارها اعلام آمادگی کرده است که با سایر همسایگان نیز بر پایه احترام متقابل در برابر این چالش های مشترک و در جهت ثبات منطقه و جهان همکاری کند. جمهوری اسلامی ایران هیچ گاه به دنبال سلاح هسته ای نبوده و نخواهد بود. لذا این ادعا که در توافق اخیر وین راه های مختلف دستیابی ایران به سلاح هسته ای بسته شده، در واقع تحصیل حاصل است و صرفاً به منظور راضی کردن منتقدین داخلی و صهیونیست ها بیان می شود.

۳- تحولات چندین سال گذشته نشان داده است که آنچه موجب نا امنی و گسترش افراط و تروریسم در منطقه ما شده است، سیاست ها و اقدامات نسنجیده دولت های ایالات متحده و برخی از متحدینشان در منطقه به ویژه رژیم صهیونیستی بوده که جز تخریب و جنگ و افراط برای مردم این منطقه و جهان حاصلی نداشته است. مقامات کنونی آمریکایی بارها خود به این واقعیات اذعان کرده اند ولی کماکان تلاش می کنند با فرافکنی از واقعیات تاریخی فرار کنند.

۴- ایران با خودباوری و عقلانیت در مذاکرات اخیر هسته ای نشان داد که حتی بحران های ساختگی را نیز می توان از طریق تعامل و گفتگو و بر مبنای احترام متقابل حل و فصل نمود. لذا مبنای و پایه های لرزان پروژه خطرناک و بی اعتبار ایران هراسی فرو ریخته و تلاش برای دمیدن روح تازه به آن در جهان و منطقه خریداری نخواهد یافت و تنها می تواند سودهای هنگفت برای فروشندگان تسلیحات مرگبار به بار آورد و منابع محدود منطقه و جهان را بجای مبارزه با فقر و جهل و بی عدالتی، برای خریدهای بی رویه تسلیحات نمایشی هدر دهد. حفظ گفتمان گذشته و تلاش برای راضی نگاه داشتن و خوشامد جنگ طلبان جز بار کردن هزینه بر مردم آمریکا، منطقه و جهان حاصلی نخواهد داشت. (Isna.ir)

۵- برای چندمین بار به مقامات ایالات متحده متذکر می شویم که جهان متمدن قریب به یک قرن است که گزینه استفاده از زور و تهدید به آن به عنوان ابزار سیاست خارجی را کنار گذاشته و آن را نه تنها غیر انسانی و غیر قانونی بلکه ناکارآمد می داند. تهدید به توسل به زور نقض مسلم قواعد



آمره حقوق بین الملل است و مسئولیت بین المللی به دنبال دارد، و به علاوه فایده ای جز هدر رفتن منابع و حیثیت ایالات متحده به دنبال نداشته و نخواهد داشت. مردم آمریکا و جهان حق دارند سؤال کنند که جنگ های ایالات متحده در پنجاه سال گذشته چه منفعتی جز تحمیل هزینه های فراوان مالی و جانی و حیثیتی برای مردم آمریکا و نا امنی و بی ثباتی برای مردم جهان به دنبال داشته است. وقت آن است که این عادت خطرناک و مضر دیرین که مربوط به قرون ماضی است کنار گذاشته شود. (آجیلی، ۱۳۹۲، ۶۹)

۶- خاطره حمایت ایالات متحده از کودتا، جنگ تحمیلی، استفاده صدام از سلاح شیمیایی، توهین های مقامات آمریکایی به ملت ایران، اتهامات بی اساس و تحریم های کور و غیر انسانی علیه این مردم و تداوم گفتمان بی خاصیت تهدید در حافظه تاریخی مردم ایران زنده است و گرنه این مردم با ملت آمریکا مشکلی ندارند. خوب است مقامات آمریکایی به جای تکرار برخی عبارات کلیشه ای به این واقعیت بیندیشند که انزجار از سیاست های غلط دولت های ایالات متحده منحصر به مردم ایران نیست و ایالات متحده نیازمند اصلاح سیاست هایی همچون حمایت از جنایات رژیم صهیونیستی علیه مردم فلسطین است که تنها آخرین نمونه این وحشی گری ها، سوزاندن یک کودک خردسال فلسطینی بود. (Barzegar, 2016, 43)

۴- بررسی و تحلیل محتوای قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت

شورای امنیت سازمان ملل در ۲۹ تیرماه ۱۳۹۴، قطعنامه ۲۲۳۱ را با رأی مثبت همه ۱۵ عضو دائم و موقت به تصویب رساند که تمام کشورهای عضو سازمان ملل را موظف به اجرای مفاد توافق جامع هسته‌ای یا برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) می کند. تصویب این قطعنامه در تاریخ شورای امنیت ملل متحد به سه دلیل منحصر به فرد و بی سابقه است. اول آن که، شش قطعنامه تحریمی زیر فصل هفتم را به صورت یک جا لغو کرد. دوم، این قطعنامه نزدیک به ۱۷ صفحه ای دارای پیوست های مفصلی بالغ بر ۱۶۰ صفحه است که ویژگی های مهمی دارد که تا سال ها می تواند موضوع بحث علمی محافل حقوق بین الملل و روابط بین الملل قرار گیرد. سوم، قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت توافق موسوم به برجام ۱۵۹ صفحه ای را به عنوان پیوست در بردارد که همراه نامه کشورهای ۵+۱ به شورای امنیت ارائه شده است. (fayazmanesh, 2008, 145) با وجود آن که محدودیت هایی در قطعنامه مذکور برای ایران پیش بینی شده است اما این محدودیت ها از لحاظ حقوقی به عنوان تحریم شناخته نمی شوند.



۱- خرید کالاهای دو منظوره: محدود شدن خرید کالاهای دو منظوره برای ایران بسیار اهمیت دارد زیرا در اینجا کالاهایی مورد نظر هستند که امکان دارد در صنعت نظامی هسته ای به کار گرفته شوند. اما باید در نظر گرفت فروش این کالاها در قطعنامه های قبلی مطلقاً ممنوع بود. اما در قطعنامه جدید از طریق یک نهاد حقوقی پیش بینی شده می توان این کالاها را در صورت تأیید آن نهاد، برای مصارف صنعتی خریداری کرد. (میرحسینی، ۱۳۹۴، ۱۲)

۲- خرید و فروش تسلیحات دفاعی: در قطعنامه ۲۲۳۱ در زمینه خرید و فروش تسلیحات، محدودیت هایی قید شده است. قطعنامه های قبلی شورای امنیت، خرید و فروش تسلیحات از سوی ایران و از سوی کشورهای دیگر به ایران را ممنوع کرده بود و به ویژه خرید تسلیحات کلان ممنوع شده بود. اما این قطعنامه ممنوعیت را به محدودیت ۵ ساله تبدیل می کند که اگر خرید و فروشی باشد از طریق کسب اجازه مورد به مورد توسط شورای امنیت صورت می گیرد. ضمن این که به دلیل خودکفایی ایران در زمینه تولیدات دفاعی کشور ما از نظر تأمین نیازهای ضروری خود در پنج سال آینده با مشکل جدی روبرو نخواهد بود. (Heeley & Sahay, 2013, 7)

۳- محدودیت برای فعالیت موشکی ایران: بر اساس بند ۹ قطعنامه ۱۹۲۹، فعالیت های موشکی ایران به طور کامل ممنوع شده بود و برای تحقق این امر قطعنامه ۱۹۲۹ حتی به کشورها اجازه می داد که علیه ایران به زور متوسل شوند. ولی در قطعنامه جدید شورای امنیت از ایران می خواهد فعالیت های موشکی که برای حمل کلاهک هسته ای طراحی شده یا می شود انجام نگیرد. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران اساساً در برنامه اش فعالیت موشکی مرتبط با هسته ای نیست. نکته مهم دیگر این که شورای امنیت موضوع محدودیت در فعالیت های موشکی ایران را تحت فصل هفتم منشور سازمان ملل بیان نمی کند و فقط به عنوان یک خواسته آن را مطرح می کند. نکته کلیدی ایجاد محدودیت برای ایران در مورد ساخت موشک هایی بلند برد است. درست است که ایران اساساً دنبال سلاح هسته ای نیست اما ایجاد محدودیت برای تولید موشک های بلند برد قابل توجه به نظر می رسد. البته با در نظر گرفتن تعیین محدودیت هشت ساله که برای این مورد به نظر می رسد نباید چندان مشکل ساز خواهد بود.

۴- برگشت پذیری تحریم ها: اگرچه موضوع بازگشت پذیری برای هر دو طرف در نظر گرفته شده است. اما اگر طرف مقابل به تعهداتش عمل نکند شکایت احتمالی ایران در کمیسیون بررسی می شود که ایران در اقلیت است و از این نظر با محدودیت روبرو است. با این حال ایران می تواند با پذیرش تبعات آن بر فرض آن که بخواهند حق ایران را پایمال کنند به برنامه هسته ای خود در



زمان آذر ۱۳۹۲ یعنی قبل از توافق ژنو بازگردد. البته این امکان برای طرف مقابل نیز وجود دارد در قطعنامه هم پیش بینی شده اگر نقضی هم از سوی ایران و هم کشورهای دیگر صورت گیرد می توانند به کمیسیون رفع اختلاف مراجعه کنند. البته برای این کار یک پروسه ۶۰ روزه در نظر گرفته شده است و این حق برای هر دو طرف است. پیچیدگی این فرآیند و امکان تخلف طرف زورگو و بد سابقه مانند آمریکا تنها نگرانی است که از هم اکنون با برنامه ریزی صحیح باید مانع از آن شد که آنها بتوانند سوء استفاده کند. این برنامه ریزی دقیق می تواند با ثبت و ضبط و انتشار تدریجی اسناد و مدارک پشتیبان مذاکرات باشد تا مانع از تکرار بدعهدی ها شود.

۵- الزام آور بودن تعهدات ناشی از قطعنامه برای قوانین داخلی

از نظر حقوق بین الملل، اجرای قطعنامه های شورای امنیت الزام آور است اما طبعاً حقوق داخلی کشورها ممکن است به هر دلیل در تعارض با قوانین بین المللی قرار گیرد. در این مورد خاص ارجح دانستن قوانین داخلی بر توافق های بین المللی برای طرف های مقابل قابل پذیرش نیست. از نظر ایران تا وقتی روال قانونی برای اجرایی شدن توافق در کشورها طی نشود، توافق وین یا بگرام قابل اجرایی شدن و عمل نیست و برای آمریکا و یا برخی کشورهای اروپایی هم همین طور است. بنابراین فاصله ۹۰ روزه آینده بسیار حساس و تعیین کننده است. در این فاصله کشورها باید این برنامه را در روال قانونی خود بررسی و تأیید کنند. در ایران نیز مجلس شورای اسلامی یا شورای عالی امنیت ملی پس از بررسی دقیق محتوای توافق وین و قطعنامه ۲۲۳۲ اعلام نظر خواهند کرد. به نظر می رسد با توجه به هماهنگی های قبلی برای تدوین چنین اسنادی نمی توان انتظار داشت درباره تصویب نهایی با مشکلات جدی روبرو شود. گشایش های قطعنامه ۲۲۳۱ برای ایران ذیلاً بررسی می گردد. (Zafar, 2012, 3-5)

۵-۱- خارج شدن از فصل هفتم منشور سازمان ملل به صورت کلی

بر خلاف شش قطعنامه قبلی شورای امنیت که ذیل فصل ۷ منشور سازمان ملل متحد به تصویب رسید این قطعنامه دیگر فعالیت های صلح آمیز ایران را به عنوان تهدیدی جهانی علیه صلح و امنیت تلقی نمی کند. بدین ترتیب که کلیات این قطعنامه ذیل فصل هفتم نیست اما چند پاراگراف آن به بند ۴۱ از فصل هفتم اشاره دارد، برای آن که ضمانت اجرایی آن را تقویت کند. بنابراین اصل قطعنامه از ذیل فصل هفتم در عمل خارج شده است، اما به دلیل استناد مکرر به بند ۴۱ که ذیل فصل هفتم است هنوز نمی توان گفت به طور کامل ایران از ذیل فصل هفتم خارج شده است. این



روند در ده سال آتی طول خواهد کشید مگر آن که گزارش مدیر کل آژانس درباره صلح آمیز بودن کامل برنامه هسته ای ایران زودتر از ده سال آینده تهیه و اعلام شود. (Nytimes.com)

۵-۲- ضمانت اجرایی توافق وین

این قطعنامه به بند ۲۵ منشور سازمان ملل تأکید می کند که بر اساس این بند اجرای قطعنامه های شورای امنیت برای همه اعضا الزام آور است. بدین ترتیب همه ۱۹۳ عضو سازمان ملل موظف هستند به اجرایی شدن قطعنامه ۲۲۳۲ کمک کنند. البته طبیعی است که اعضای سازمان ملل هر کدام فراخور منافع ملی خود با این قطعنامه هم مانند قطعنامه های دیگر رفتار می کنند. اما برای ایران این موضوع اهمیت دارد که توافق وین یک ضمانت اجرایی بین المللی کسب کند تا در صورت تغییر سران کشورهای گروه ۵+۱ بویژه در آمریکا نتوانند توافق بدست آمده را نادیده بگیرند. (jahani, 2011, 5)

۵-۳- ممانعت از تخلفات احتمالی طرف های توافق

قطعنامه ۲۲۳۱ در واقع یک نقشه راه را تعریف می کند. طبق این نقشه راه همه موارد و اقداماتی که دو طرف باید انجام دهند مشخص شده و در محدوده مشخص زمانی مفاد این قطعنامه نیز لغو خواهد شد. بنابراین کمتر جایی برای نقض تعهدات باقی گذاشته است. همچنین از ابتدا تا انتهای مسیری که در چارچوب برجام باید طی شود را در پیوست های قطعنامه مشخص می کند.

۵-۴- به رسمیت شناختن غنی سازی ایران به صورت اختصاصی

در حالی که همه قطعنامه های قبلی علیه ایران در شورای امنیت خواستار توقف فوری فعالیت های غنی سازی ایران شده بود، اما در این قطعنامه فعالیت های غنی سازی ایران مورد پذیرش و حتی ادامه آن مورد تأیید قرار می گیرد. این موضوع بسیار مهمی است زیرا نشان می دهد مقاومت دوازده ساله مردم ایران به نتیجه رسیده است. در تاریخ شورای امنیت این امر بی سابقه است که برنامه غنی سازی یک کشور که در نزد دیگران و شورای حکام آژانس بین المللی انرژی هسته ای به صورت ویژه بررسی می شد، توسط این شورا تأیید شده باشد. به خصوص آن که ایران با شش قطعنامه تحت فصل هفتم منشور ملل متحد به عنوان تهدید کننده صلح و امنیت دنیا معرفی می شد. جالب آن که بر اساس بند ۲۷ این قطعنامه سایر کشورها از برخورداری از رویه حقوقی مربوط



به ایران در زمینه حقوق هسته ای منع شده اند و این نشان می دهد که مقاومت مردم یک کشور، چگونه می تواند قدرت ها را به تمکین خواسته های آن مردم وادار سازد. (Sadjadpour, 2011, 17)

۵-۵- از بین بردن اساس رژیم تحریم ها

بر اساس قطعنامه جدید شورای امنیت، اساس رژیم تحریم ها و کمیته تحریم شورای امنیت از بین می رود. این موضوع اگرچه به تدریج انجام می شود اما دستاورد بسیار مهمی است. زیرا در واقع تمامی ساختارهای شکل گرفته در رابطه با تحریم ها در شورای امنیت و کمیته مربوط به اجرای تحریم ها براساس این قطعنامه حذف می گردند. همچنین بهانه برای تداوم تحریم های ناجوانمردانه خارج از قطعنامه های شورای امنیت برای آمریکا و متحدانش از بین برده می شود. در مجموع می توان گفت اگرچه قطعنامه تصویب شده مطلوب ایران نیست اما بر اساس شرایط موجود و بر اساس مقدمات ایران این قطعنامه گشایش تازه ای در مناسبات سیاسی، اقتصادی و نظامی و امنیتی با سایر کشورهای جهان محسوب می شود. نکته مهم دیگر این که باید توجه داشت این قطعنامه با همه مواردی که در آن است از لحاظ حقوق بین الملل مرزبندی مشخصی با توافق وین دارد. بنابراین اگر مواردی در قطعنامه باشد که در توافق نیامده باشد، نقض احتمالی قطعنامه توسط ایران به هر دلیل نقض توافق وین به حساب نمی آید. دستاوردهای بزرگتری هم که مستقیم به مسئله هسته ای مربوط نمی باشد از توافقنامه حاصل شده؛ و آن این است که ما توازنی در گفتگوهای دیپلماتیک به دست آورده ایم. غیر ممکن بود کشوری در تحریم بزرگی قرار بگیرد، اما بتواند با ۶ کشور دیگر صحبت کند. شش کشوری که اکثر آنها قدرت های جهانی هستند. (Katzman, 2016, 8) دستاورد دیگر یک نوع بی اعتمادی است که برخی از کشورهای غربی نسبت به آمریکا ایجاد کردند. البته ممکن است مستقیماً به ما مربوط نباشد اما همین بی اعتمادی سبب خواهد شد که توطئه کمتری علیه ما صورت گیرد. دستاورد مهم دیگر این است که دولت صهیونیستی و نتانیاهو هر چه تلاش کردند که این توافقنامه به شکست بیانجامد نتوانستند اقدامی انجام دهند. این خود نشان دهنده آن است که وزن ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی در همین مدت کوتاه بالا رفته است. وقتی وزن ژئوپلیتیکی ایران در منطقه بالا می رود در سطح جهان، وزن ژئوپلیتیکی رقبای دشمنان جمهوری اسلامی پایین می آید. از نگاه آمریکایی های دموکرات نیز قدرت منطقه ای ایران بایستی مهار شود. نگاهی به تضمین های امنیتی اوباما در نشست کمپ دیوید به کشورهای منطقه، نشان دهنده همین مسأله است که محوریت ترتیبات منطقه ای با موضوع « تهدید ایران » کماکان جزء سیاست مهار آمریکا محسوب می شود. این همان چیزی است که بن



رودز، معاون مشاور امنیت ملی اوپاما، در مصاحبه مطبوعاتی روز ۲ سپتامبر ۲۰۱۵ بر آن تأکید کرد که رئیس‌جمهور تلویحاً گفته است آمریکا متعهد به امنیت عربستان و کشورهای خلیج فارس و مقابله با رفتارهای ایران خواهد بود. (Habibi, 2010, 5)



نتیجه گیری

با توجه به آنچه بررسی گردید و بر اساس قواعد حقوق بین‌المللی عرفی در مورد مسئولیت بین‌المللی دولت (که در طرح کمیسیون حقوق بین‌المللی ۲۰۱۱ در مورد مسئولیت بین‌المللی دولت انعکاس یافته)، توصیف عمل متخلفانه بر مبنای حقوق بین‌المللی است و منبع تعهد نیز می‌تواند شامل معاهده، عرف، اصول کلی حقوقی یا قطعنامه شورای امنیت باشد، بر این اساس اقدام یک جانبه و غیر قانونی آمریکا در خروج از توافقنامه تعهدآوری چون برج‌ام، منجر به ایجاد مسئولیت بین‌المللی برای این کشور است و این مسئولیت بین‌المللی و تعهد حقوقی بین‌المللی به جبران خسارات ناشی از نقض تا زمان دادرسی به قوت خود باقی خواهد ماند. به علاوه این که خروج آمریکا از توافق، عدم پایبندی آشکار به قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت است، گرچه نقض قطعنامه نیز به خودی خود، مسئولیتی سیاسی و حقوقی برای ایالات متحده آمریکا به دنبال دارد. مسئولیت سیاسی به این جهت که آمریکا به‌عنوان عضو دائم شورای امنیت، با اقدام خود، قطعنامه مصوب این شورا را بی‌اعتبار نموده است.

در موارد مرتبط با صلح و امنیت بین‌المللی، حتی کشورهای غیر عضو سازمان ملل نیز موظف به اجرای تصمیمات شورای امنیت هستند، لذا رفتار آمریکا در نقض قطعنامه به منزله نقض صلح و امنیت و مغایر با مبانی حقوق بین‌الملل است. در مجموع از آنجا که برج‌ام ضمیمه قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل شده و سازوکارهای حقوقی اعم از مکانیسم خودبسنده مذکور در برج‌ام، فسخ برج‌ام و اقدام متقابل علیه آمریکا می‌تواند در این رابطه فعال شود. لذا خروج از برج‌ام و بالطبع نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، موجب به وجود آمدن مسئولیت بین‌المللی نظام آمریکا، به خاطر عدم تعهد در قبال تعهدات و نیز عدم التزام به تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل، گشته است. این موضوع، علاوه بر تبعات سیاسی، تبعات حقوقی گسترده‌ای نیز به دنبال خواهد داشت و جمهوری اسلامی ایران می‌تواند دولت ایالات متحده را برای اقدام متخلفانه‌اش؛ که در تعارض کامل با منشور ملل متحد، اصول و مبانی حقوق بین‌الملل و قطعنامه الزام‌آور ۲۲۳۱ شورای امنیت است، در دادگاه‌های بین‌المللی فراخوانده و از آنان درخواست غرامت نماید، در این راستا بهترین توصیه حقوقی قابل اجرا، اقامه دعوی مسئولیت بین‌المللی ایالات متحده و دریافت غرامت از آن در نزد دیوان بین‌المللی دادگستری است. چنان که اشاره شد سازش با دشمن مستکبر در گفتمان استکبار ستیزی در صورتی اتفاق افتاده است که جبهه حق از اصول و اهداف اصلی خود عقب‌نشینی کرده و تحمیل و زورگویی طرف مقابل را بپذیرد. در این مذاکرات جمهوری اسلامی با



دستاوردها و دارایی‌های ناشی از « ایستادگی و مقاومت » و « مجاهدت های فرزندان غیور ملت » و در حالی که دشمن زیاده‌خواه از توانمندی‌هایش « مات » شده بود وارد صحنه مذاکرات شد. این « دست برتر جمهوری اسلامی » و « استیصال دشمن » شروط پیروزی در این عرصه را تضمین کرد به طوری رهبریت انقلاب استدلال نمودند که ما آن روزی که وارد این مذاکرات شدیم، دستاورد قابل قبول و مهمی داشتیم؛ احساس کردیم با دست قوی داریم وارد می شویم. دستاورد آن روز ما از جمله این بود که ما توانسته بودیم درحالی که همه قدرت های هسته‌ای دنیا امتناع کردند که به ما سوخت بیست درصد را برای مرکز تحقیقاتی تهران بدهند ما خودمان توانستیم در شرایط تحریم، سوخت بیست درصد را تولید کنیم، بعد این سوخت بیست درصد را تبدیل کنیم به صفحه سوخت و از آن استفاده کنیم.



منابع

- ۱- آجیلی، هادی، (۱۳۹۲)، تأثیر تحریم های بین المللی بر توسعه اقتصادی ایران، نشریه راهبرد توسعه، دوره نهم، شماره ۳۶.
- ۲- آدمی، علی، (۱۳۹۴)، بحران بحرین و امنیت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد، دوره بیست و یکم، شماره ۶۲.
- ۳- توکل پور کوخدان، محمد هادی، (۱۳۹۱)، بررسی حقوقی مسأله هسته ای ایران، چاپ دوم، تهران، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۴- عبدالله خانی، علی، (۱۳۸۵)، نظریه های امنیت، تهران، نشر ابرار معاصر.
- ۵- غریب آبادی، کاظم، (۱۳۹۳)، پرونده هسته ای ایران به روایت اسناد، چاپ دوم، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- 6- Athar, Zafar, (2012), Iran's Assertiveness on Disputed Islands Rattles UAE", Available at: [http:// www.icwa.in](http://www.icwa.in).
- 7- Balzacq, Thierry, (2005), Three Faces of Securitization: Political Agency, Audience and Context". European Journal of International Relation, Vol. 11.
- 8- Barzegar, Keyhan, (2016), The Geopolitics of JCPOA, Available at: <http://www.iranreview.org>.
- 9- Fayazmanesh, Sasan, (2008), The United States and Iran: Sanctions, Wars and the Policy of Dual Containment. Abingdon: Rutledge, Taylor and Francis Group.
- 10- Habibi, Nader, (2010), The Impact of Sanctions Iran- GCC Economic Relations, accessible at: <http://www.brandeis.com> .
- 11- Heeley & Sahay, (2013), Are Sanctions on Iran Working, accessible at: <http://armscontrolcenter.org/assets/pdfs>.
- 12- <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/97764>.



-
- 13- <http://www.isna.ir/news/94110905391>.
- 14- Islam, Thowhidul, (2010), Iran's Nuclear Policy: Russia's Perspective, accessible at: <http://static.cejiss.org/data/uploaded>.
- 15- Jahani, Kosar, (2011), Sanctioning Iran the View from the United Arab Emirates, accessible at: <http://fletcher.tufts.edu>.
- 16- Katzman, Kenneth, (2016), Iran Sanctions, Accessible at: <https://www.amazon.com/Iran>.
- 17- Sadjadpour, Karim, (2011), The Battle of Dubai: The United Arab Emirates and the US- Iran Cold War, accessible at: <http://www.carnegieEndowment.org/pubs>.
- 18- Waver, Ole, (1995), Securitization and Desecaritization, in: Ronnie D. Lipchitz, On Security, NY: Columbia University press .
- 19- www.nytimes.com.



Anatomy of the JCPOA obligations between Iran and the United States regarding nuclear negotiations from the perspective of international humanitarian law

D.r Saeid Jahangiri¹ / D.r Mahdi Yousefi Sadeghlou²

Abstract

The bad faith caused by the lack of good faith of the western parties and especially the United States in the months after the implementation of the JCPOA and more concretely after the beginning of Trump's presidency, are in conflict with the good faith in the implementation of the international obligations of the JCPOA and considering According to Security Council Resolution 2231 on the necessity of full implementation of the JCPOA and refraining from any action that weakens this cooperation document, the statements of the US President and some actions taken by his team and the Congress of this country regarding the JCPOA, as the European Union and the countries Europeans and Russia also acknowledge it, it is considered to weaken this document and contrary to the spirit of JCPOA and the binding resolution 2231. The question of the present article is, what was the theoretical starting point of the difference in the sanctions diplomacy of the Trump and Obama administrations towards Iran from the perspective of international humanitarian law despite the country's commitment to the JCPOA obligations? The hypothesis of the article is that while the sanctions policy of the Obama administration was mostly based on the motive of making Iran commit to international norms, the main motive of the Trump administration is to advance the maximum interests of the United States regardless of international legal restrictions. From this point of view, the JCPOA has been considered an efficient agreement for the Obama administration and ineffective for the Trump administration. The hypothesis theoretically relies on two theories of realism and liberalism about the function of sanctions in international relations. This hypothesis will be analyzed in an analytical-explanatory manner and based on reliable data.

keywords: Iran, international humanitarian law, nuclear negotiations, America, sanctions.

¹ Ph.D. in Political Science, Iranian Issues, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, Science and Research Unit. (Corresponding Author)

Saeedjahangiri61@yahoo.com

² Assistant professor and faculty member, Faculty of Law and Social Sciences, Payam Noor University, Karaj branch.

m_yousefi_lawer@yahoo.com

